

**Immediate Performance of Judicial Officers in Criminal Proceedings and
Crime Management: A Study of National and International Legal
Documents**

Seyed Hassan Cheraghi¹, Ali Jamadi², Karam Janipour³

Abstract

Background and aim: The performance of judicial officers in the critical period following the commission of a crime, with the goal of preventing the destruction of evidence, attempting to uncover the crime, and identifying the suspect, is of significant importance. Even a slight delay can cause significant issues in the judicial process. Therefore, this study aims to examine the role of judicial officers' immediate actions in handling criminal cases and crime management.

Method: This applied research uses a qualitative, exploratory approach. Data were collected through note-taking. The subject and population of the study included national and international legal documents, which were selected through a comprehensive sampling method and analyzed using content analysis. For data validation, external review and control strategies were applied.

Results: According to the findings from the national and international legal documents, key factors such as the speed of completing judicial orders, the swift transfer of the suspect and case file to the court, prompt crime reporting, obtaining judicial instructions, and observing detention periods were identified. All these factors have the common theme of time management.

Conclusion: The results of this study suggest that reducing pending cases in the prosecution office, enhancing police infrastructure, such as patrols, human resources, and crime detection equipment in police stations and specialized police units, will ensure the adherence to legal timeframes and the principle of speed. This indicates that in Iranian criminal law and judicial practice, the principle of immediate, rapid, and timely performance in police and judicial matters requires serious attention.

Keywords: Urgency, Judicial Officers, Principle of Speed, Judicial Officers' Performance, Crime Management, Criminal Proceedings

1. Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Yasouj, Iran. (Corresponding Author). Email: s.cheraghi.324@gmail.com

2. Assistant Professor, Faculty of Law, Islamic Azad University, Yasouj, Iran . Email: ali.jamadi@iran.ir

3. Assistant Professor, Faculty of Law, Islamic Azad University, Yasouj, Iran . Email: karam.janipour@gmail.com

عملکرد فوری ضابطان دادگستری در رسیدگی امور کیفری و مدیریت انتظامی جرم- مورد مطالعه اسناد قانونی ملی و بین‌المللی

سید حسن چراغی^۱، علی جمادی^۲، کرم جانی‌پور^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۱

چکیده

زمینه و هدف: عملکرد ضابطان دادگستری در حساس‌ترین زمان پس از وقوع جرم که با هدف جلوگیری از امحاء ادله جرم و سعی در کشف جرم و شناسایی متهم انجام می‌شود، اهمیت قابل توجهی دارد و از این منظر، اندک تعلل می‌تواند مسیر پرونده‌های قضایی را با معضلاتی روبه‌رو سازد؛ لذا این پژوهش با هدف بررسی نقش عملکرد فوری ضابطان دادگستری در رسیدگی امور کیفری و مدیریت انتظامی انجام شده است.

روش: پژوهش پیش‌رو از نظر هدف، کاربردی با رویکرد کیفی و از نوع اکتشافی است. جمع‌آوری داده‌ها از طریق فیش‌برداری انجام شد. موضوع و جامعه مورد پژوهش، اسناد قانونی ملی و بین‌المللی است که به صورت تمام‌شمار انتخاب و به شیوه تحلیل محتوا مورد تحلیل قرار گرفته است. برای اعتبارسنجی داده‌ها از راهبرد کنترل و بازبینی بیرونی استفاده شد.

یافته‌ها: طبق یافته‌های حاصل از اسناد ملی و بین‌المللی مشخص گردید که مواردی همچون: سرعت در تکمیل دستورات مرجع قضایی، ارسال سریع متهم و پرونده به مرجع قضایی، اعلام سریع جرم و کسب تکلیف از مقام قضایی و همچنین رعایت مدت تحت نظر، همگی مؤلفه‌هایی هستند که کلیدی‌ترین رویکرد آن‌ها بحث زمان است.

نتیجه‌گیری: برابر نتایج این پژوهش، کاهش پرونده‌های تحت رسیدگی در دادسرا، تقویت زیرساخت‌های پلیسی از جمله گشت‌های پلیسی، نیروی انسانی، تجهیزات کشف جرم در کلانتری‌ها و پلیس‌های تخصصی، موجب رعایت اصل سرعت و زمان‌های پیش‌بینی شده در مقررات قانونی خواهد شد. این امر مبین آن است که در حقوق کیفری ایران و رویه قضایی، اصل عملکرد فوری، سریع و بهنگام در امور پلیسی و قضایی نیازمند توجه جدی است.

کلیدواژه‌ها: فوریت، ضابطان دادگستری، اصل سرعت، عملکرد ضابطان، مدیریت انتظامی، رسیدگی کیفری.

استناد: چراغی، سید حسن؛ جمادی، علی؛ جانی‌پور، کرم. (۱۴۰۳). عملکرد فوری ضابطان دادگستری در رسیدگی امور کیفری و مدیریت انتظامی جرم- مورد مطالعه اسناد قانونی ملی و بین‌المللی، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت انتظامی ۱۹ (۴)، صص ۲۶۹-۲۴۱

Doi: <https://doi.org/10.22034/pmsq.2024.1280146.1740>

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران. (نویسنده مسئول).
رایانامه: s.cheraghi.324@gmail.com

۲. استادیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران. رایانامه: ali.jamadi@iran.ir

۳. استادیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران. رایانامه: karam.janipour@gmail.com

مقدمه

ضابطان دادگستری یکی از تأثیرگذارترین مداخله گرهای نظام عدالت کیفری هستند که در روند مدیریت انتظامی جرم و رسیدگی کیفری نقش تعیین کننده‌ای دارند و وظایف و اختیارات آنان بسیار حساس و سرنوشت ساز می باشد؛ چراکه کنشگران دعوای کیفری از حق های بنیادی متعددی برخوردار هستند که طبیعتاً باید از سوی همه کارگزاران مانند ضابطان دادگستری رعایت و تضمین شوند (طهماسبی، ۱۳۹۸، ۹۸). به ویژه از زمان حضور واحدهای گشتی در محل وقوع جرم، مدیریت انتظامی صحنه جرم، صورت جلسه اولیه، تشکیل پرونده قضایی تا زمان انجام تحقیقات کامل و ارسال پرونده به مراجع ذیصلاح قضایی و رسیدگی کیفری ضابطان دادگستری به عنوان یک عامل مؤثر در فرایند رسیدگی حضور فعالی دارند. برابر بررسی های اولیه پرونده های کیفری، در صورت عدم رسیدگی و مداخله فوری ضابطان دادگستری، کشف جرم با مشکل اساسی روبه رو خواهد شد که وجود ضابطان مجرب و متخصص می تواند در این امر مفید باشد. در وضعیت فعلی با توجه به امکانات موجود و عدم ارائه آموزش های موردنیاز از سوی مراجع قضایی به ضابطان دادگستری، کماکان تأمین ضابطان مجرب و متخصص دشوار است.

با تصویب قانون جدید آیین دادرسی کیفری^۱ مصوب ۱۳۹۲ وظایف زیادی ازجمله تعیین زمان های فوری برای ضابطان دادگستری ایجاد شده است؛ لیکن به جهت عدم فراهم سازی زیرساخت های موردنیاز امکان اجرا نمودن مفاد قانون آیین دادرسی کیفری در راستای فوریت در مدیریت انتظامی و دادرسی کیفری وجود ندارد؛ لذا مسئله اصلی و نیازمند اجرای پژوهش کاربردی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نشأت می گیرد و سنگ بنای پرونده کیفری، توسط کسانی گذارده خواهد شد که از تجهیزات و امکانات اولیه کشف علمی جرم، نیروی انسانی موردنیاز و دانش حقوقی و جرم یابی کافی برخوردار نیستند و علی رغم تأکید قانون گذار بر این امر زیرساخت های موردنیاز تأمین نشده است.

پژوهش حاضر از این نظر که اجرای آن موجب ارائه راهکارهایی در راستای جلوگیری از اطالة دادرسی، کشف به موقع جرم و عدم آسیب ضابطان دادگستری می‌گردد دارای اهمیت اساسی است و در صورت عدم پرداختن به این موضوع، کماکان مشکلات موجود، چالش اساسی در راستای کشف جرم، رسیدگی عادلانه کیفری و احتمال آسیب و در معرض اتهام قرار گرفتن ضابطان دادگستری را متصور می‌نماید؛ لذا مقاله حاضر در راستای پاسخ به این سؤال است که عملکرد فوری ضابطان دادگستری در مدیریت صحیح انتظامی و رسیدگی کیفری چه نقشی دارد؟

پیشینه و مبانی نظری

زکوی و مصطفوی (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «جایگاه اصل سرعت در سیاست جنایی ایران» به این نتیجه رسیدند که دگرگونی افراد (نیروهای انسانی) و ساختار (نظام اداری) و تبیین مسئولیت‌پذیری منطبق با امکانات و منشورهای اخلاق‌مدار، اجتناب‌ناپذیر بوده و این امر دسترسی سیاست جنایی را به اصل سرعت که عملاً متروک مانده است، فراهم خواهد ساخت.

صوفی زمرد (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی اعتبار و مشروعیت تحصیل ادله کیفری در عملکرد ضابطان دادگستری» به این نتیجه رسید که به‌رغم شناسایی اصل مشروعیت دلیل در دکترین، نظام‌های حقوقی نسبت به اقدامات ضابطان رویکرد یکسانی نداشته و حتی در صورت پذیرش مشروعیت روش‌های تحصیل دلیل، در مواردی چون کشف برخی جرائم سازمان‌یافته و علیه امنیت با تجویز دام‌گستری، شنوهای غیرمجاز، نظارت‌های گسترده و ... این قاعده را نادیده انگاشته‌اند یا حداقل ضمن حفظ اثر اثباتی دلایلی که از این طریق حاصل شده‌اند، به مجازات متخلفان از اصل اکتفا می‌کنند. در نظام حقوقی ایران، این اصل به‌صراحت شناسایی نشده و تنها جلوه‌هایی از آن مانند بطلان اقرار ناشی از شکنجه یا فقدان اعتبار دلایل تحصیلی توسط مأموران غیر ضابط شناسایی شده است.

نیازپور (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «آموزش ضابطان دادگستری در پرتو قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲» بیان می‌دارد که پایه آموزش ضابطان در آموزه‌های حقوقی و

جرم‌شناسانه وجود دارد و در آیین دادرسی کیفری ایران بایستی انکارناپذیر است. دادستان‌ها تکلیف یافته‌اند تا نسبت به آموزش ضابطان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کنند. این جنبه اساسی در اصل یک‌صد و پنجاه و ششم که به رسیدگی شایسته به دعوای کیفری، گسترش عدالت و تضمین حق‌ها و آزادی‌های بنیادین افراد ناظر است، ریشه دارد. کارگزاران قضایی باید به شناسایی کاستی‌ها و برگزاری دوره‌های آموزش ضابطان مبادرت ورزند و در این زمینه پاسخ‌گو باشند. بر همین اساس، قوه قضائیه باید با سنجش نیازها و پیش‌بینی سرفصل‌های لازم زمینه‌های برگزاری دوره‌های فراگیر شایسته را فراهم آورد.

شیدائیان (۱۴۰۰) در پژوهش خود با عنوان «مؤلفه‌های مدل مطلوب روابط دادسرا و پلیس در نظام دادرسی کیفری جمهوری اسلامی ایران» به این نتیجه رسید که مدل روابط دادسرا و پلیس، زمانی مطلوب است که بر کارایی و اثربخشی کشف، تعقیب و تحقیق جرائم اثرگذار باشد. یافته‌ها حاکی از آن است که مؤلفه‌های مدل مطلوب روابط دادسرا و پلیس ایران، شامل مواردی همچون: اختصاص عملکرد کشف جرم به پلیس انتظامی؛ هم‌سطحی نهادهای دادسرا و پلیس انتظامی و ارتباط دوسویه مبتنی بر مدل شبکه‌ای میان آن دو؛ اختصاص عملکرد اجرای تحقیق به پلیس قضایی؛ تفکیک مقام قضایی تحقیق بر اساس شدت جرائم؛ غیرهم‌سطح بودن نهاد پلیس قضایی و دادسرا؛ و همراه با حاکمیت منعطف و معتدل دادسرا بر پلیس قضایی است.

رضوی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «کارایی ضابطان عام دادگستری در کشف و تحقیق جرائم مشهود» به این نتیجه رسیدند که توجه به قسمت اعظم وظایف و اختیارات مأموران پلیس به عنوان ضابطان عام دادگستری، جایگاه آن‌ها نسبت به سایر ضابطان مهم‌تر و پررنگ‌تر است. با این حال هر مأمور پلیس صلاحیت لازم برای مقام ضابط دادگستری را ندارد، بلکه آن دسته مأمورانی ضابط قلمداد می‌شوند که آموزش‌های لازم را سپری کرده باشند. حفظ حقوق و آزادی متهم ایجاب می‌کند وظایف و اختیارات ضابطان تحت نظارت مستمر مقام قضایی باشد که بر عهده دادستان است.

رحمدل (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «امور فوری در دادرسی کیفری» به این نتیجه رسید که تشخیص فوریت امر در امور کیفری همانند امور مدنی با لحاظ معیارهای تعیین شده از طرف قانون‌گذار با مقام قضایی، است ولی به نظر می‌رسد همانند امور مدنی در همه مصادیق دستور موقت در امور کیفری، فوریت شرط صدور دستور موقت نیست در برخی موارد بدون آن که نیازی به فوریت امر وجود داشته باشد مقام قضایی ملزم به صدور دستور موقت است و اساساً، حتی صدور دستور موقت در امور کیفری همانند امور مدنی محتاج به درخواست شاکی نیست و مقام قضایی می‌تواند رأساً اقدام به صدور دستور موقت نماید.

وروایی و دارابی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی شیوه‌های مؤثر نظارت دادستان بر عملکرد پلیس در مقام ضابطان دادگستری» به این نتیجه رسیدند که نظارت مستقیم دادستان و بازرسی‌های نوبه‌ای، نظارت غیرمستقیم دادستان و انجام بازرسی‌ها توسط افراد تحت‌الامر وی، نظارت آشکار و علنی، نظارت مخفی و پنهانی، نظارت همگانی (توسط عموم مردم)، تقویت سامانه کنترل (نظارت توسط خود ضابطان)، نظارت با استفاده از تجهیزات الکترونیکی و نظارت با استفاده از سازمان‌های نظارتی، از مهم‌ترین و مؤثرترین شیوه‌های نظارتی دادستان بر عملکرد ضابطان دادگستری به‌شمار می‌رود.

ولایتی و ناجی زواره (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «ارزش قضایی گزارش ضابطان دادگستری بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲» بر یک حوزه خاص و آن‌هم میزان اعتبار گزارش ضابطان تأکید کرده است و بسیاری از مؤلفه‌های مهم دیگری که در عملکرد نیروهای امنیتی مدنظر است، از جمله مبانی و حوزه عملکرد این ضابطان، مورد اشاره قرار نگرفته است.

فلاح (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «میزان اعتبار گزارش ضابط دادگستری در تصمیمات قضایی» به تشریح انواع گزارش‌های ضابطان و ارزش آن‌ها پرداخته و بیان می‌کند. گزارش‌های تخصصی و فنی ضابطان نظیر گزارش افسر راهنمایی و رانندگی در خصوص تصادفات، گزارش آزمایشگاه جنایی پلیس، گزارش افسر متخصص در خصوص انواع اسلحه یا گلوله و گزارش متخصص انگشت‌نگاری و کارشناسی

تشخیص هویت اعتبار نظر کارشناسی را دارد. از خلأهای موجود در قوانین و مقررات کیفری، عدم تصریح قانون‌گذار به غیرقابل استناد بودن گزارش‌هایی است که با استفاده از روش‌های غیرقانونی و ناموجه به‌دست آمده است. حال اگرچه بحث مهمی در پژوهش ما میزان اعتبار گزارش ضابطان است، اما نه تنها این امر مهم در این اثر مورد اشاره قرار نگرفته است، بلکه به‌علاوه بر آن، به نظر می‌رسد که درجه اعتبار گزارش‌های نیروهای امنیتی ضابط با دیگر ضابط خاص متفاوت باشد.

بوندارنکو^۱ و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «مهارت‌ها و شایستگی‌های حرفه‌ای افسران پلیس آینده» به بررسی سطح مهارت‌ها و شایستگی‌های حرفه‌ای افسران پلیس آینده در حین آموزش بر اساس روش‌شناسی تجربی پرداخته‌اند. افسران پلیس آکادمی ملی امور داخلی (کیف، اوکراین) را در دوره آموزش حرفه‌ای اولیه شرکت داده و در دو گروه آزمایش (EG) و کنترل (CG) مطالعه کرده و به این نتیجه رسیدند که افسران EG در مقایسه با افسران CG سطح قابل توجهی از مهارت‌های حرفه‌ای را کسب کرده‌اند که در آینده به بهبود کارایی فعالیت افسران پلیس کمک خواهد کرد.

وینو و همکاران^۲ (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «بهبود آموزش افسران مجری قانون برای اقدام در شرایط اضطراری» بیان کرده‌اند که تحلیل صلاحیت‌های حرفه‌ای افسران پلیس نشان‌دهنده عدم آگاهی از برنامه‌های عملیاتی در شرایط خاص است. در نتیجه، در بخش فوریت‌های پلیسی به متخصصان بسیار ماهر نیاز است تا قادر به انجام وظایف خدمات عملیاتی در شرایط اضطراری باشند. به همین ترتیب، سطح آموزش حرفه‌ای به دلیل بازنشستگی افسران صلاحیت‌دار، پایین است.

کنت و چلست^۳ (۱۹۸۱) در پژوهشی با عنوان «اعزام چند واحد در خدمات اضطراری: مدل‌هایی برای تخمین عملکرد سیستم» دو مدل ارائه کردند که یکی دقیق و دیگری تقریبی است. برای این منظور، در زمینه پلیس، سرعت و دقت مدل تقریبی را با مدل

1. Bondarenko.

2. Voynov et al

3. Kenneth & Chelst.

دقیق مقایسه کردند. تخمین حجم کار و زمان سفر هر دو مدل به طور متوسط تنها دو درصد تفاوت دارد که نهایتاً مدل متمرکز بر تجزیه و تحلیل و ادغام خدمات فوریت‌های پزشکی، پلیسی، آتش‌نشانی و ... در یک سرویس ایمنی عمومی پیشنهاد شده است. همان گونه که ملاحظه می‌شود، با وجود جست‌وجوهای متعدد، پژوهشی خارجی مطابق با عنوان یافت نگردید و صرفاً چند پژوهش در حوزه فوریت‌های پلیسی انجام شده است. از بعد پژوهش‌های داخلی و فارسی، اگرچه در اکثر پژوهش‌های انجام شده به ضابطان دادگستری پرداخته شده است لیکن هیچ‌یک از آن‌ها به عملکرد فوری ضابطان دادگستری و نیز نقش آن بر مدیریت انتظامی و رسیدگی کیفری نپرداخته است؛ لذا از این منظر پژوهش پیش‌رو، دارای نوآوری بوده و نتایج آن می‌تواند در فرماندهی کل انتظامی مورد استفاده قرار گیرد.

الف: فوریت در رسیدگی کیفری در قوانین ایران

قانون‌گذار «فوریت» را تعریف نکرده و با این کیفیت تشخیص آن بر عهده مقام قضایی نهاده شده است. به نظر می‌رسد این عبارت در موارد مختلف دارای مفهوم متفاوتی باشد. فوریت در مفهوم لغوی به معنی انجام دادن سریع و بدون معطلی امری است. به این اعتبار برخی حقوقدانان مفهوم فوریت را امری موضوعی و مرتبط با خسارت و ضرر فراروی متقاضی دانسته‌اند (شمس، ۱۳۸۶، ۳۷۹). به عبارت دیگر، امری که عدم انجام یا تأخیر در انجام آن می‌تواند باعث توجه زیان یا عدم امکان جبران زیان شود یا مخاطراتی را ایجاد نماید داخل در مفهوم فوریت خواهد بود؛ به نحوی که هرگاه فوراً آن حق حفظ نشود جبران آن در آتی غیرممکن یا متعذر باشد و به هر حال اگر دادگاه موضوع را فوری تشخیص ندهد باید جهت آن را در تصمیم خود قید نماید (مردانی و بهشتی، ۱۳۹۳، ۱۵۵). فوریت مصدر جعلی ساخته شده از «فور» و به معنای تند، سریع - فوری بودن - آن که چیزی بدون مهلت باشد و فوری آنچه اجرای آن به سرعت انجام گیرد، در فرهنگ‌های لغت آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۱، ۱۷۲۳۶؛ معین، ۱۳۷۱، ج ۲، ۲۵۸۴).

فوریت و فوری بودن، دارای اعتباری است که قائم به امور و عوامل مرتبط به آن بوده و از حیث زمانی در انجام یا عدم انجام افعال، تجلی و معنا پیدا می‌کند؛ بنابراین، هرگاه لازم باشد که فعل یا ترک فعلی حسب قرارداد یا اوامر قانونی به سرعت اجرا و اعمال گردد، باید انجام آن فعل یا ترک فعل را فوری دانست و اگر اجرا و ایفاء افعال یا ترک افعال فوق مقید به قید مهلت یا اجل معین باشد، فوریت و تسریع در اعمال آن دیگر محملی نداشته و منتفی است (نهرینی، ۱۳۹۰، ۱۹۰). در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در ۳۳ مورد از عبارت «فوری» در مواد ۳۳، ۲۲۱، ۲۱۶، ۱۸۷، ۱۸۵، ۱۶۱، ۱۴۲، ۱۰۹، ۹۵، ۸۹، ۸۷، ۷۸، ۷۲، ۴۶، ۳۷، ۶۶۷، ۶۷۲، ۵۶۰، ۵۱۸، ۵۰۲،

۴۷۹، ۴۵۵، ۴۰۴، ۳۸۹، ۳۵۴، ۲۸۵، ۲۶۵، ۲۴۱، ۲۴۰ و ۲۲۵ استفاده شده است.

یکی از ویژگی‌های بارز و شاخص قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ توجه به موضوع زمان رسیدگی و رعایت اصل تسریع در دادرسی است که در دیگر قوانین مورد توجه و بحث قرار نگرفته است. برای نمونه در ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ یکی از اصول دادرسی که در تمامی مراحل دادرسی باید مورد توجه و رعایت تمامی مراجع قضایی قرار بگیرد را رسیدگی در کم‌ترین و کوتاه‌ترین زمان ممکن اعلام داشته است (ق.آ.د.ک، ماده ۳). در ماده ۵ قانون آیین دادرسی کیفری اصل دیگری را که مرتبط با اصل سرعت در دادرسی است بیان شده است. بخشی از ماده مورد اشاره مربوط به حق آگاهی متهم از موضوع اتهام و ادله اتهامی در سریع‌ترین زمان می‌باشد. این بخش از ماده، ضمن تأکید بر اصل سرعت در دادرسی به حق اساسی و بنیادین متهم که حق آگاهی از موضوع و ادله اتهامی است نیز اشاره و تأکید دارد که در اولین زمان که هم‌زمان با احضار و یا دستگیری وی می‌باشد، باید از سوی کنشگران دستگاه عدالت کیفری (مراجع انتظامی و قضایی) مورد توجه قرار گیرد (ق.آ.د.ک، ماده ۵). یکی دیگر از مواردی که به صورت ضمنی می‌تواند در زمان دادرسی و طولانی شدن فرایند دادرسی تأثیرگذار باشد، موضوع آگاهی افراد درگیر و مرتبط با دادرسی از حقوق خود در فرایند دادرسی و همچنین فراهم شدن سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق از سوی کنشگران دستگاه عدالت کیفری می‌باشد که در ماده ۶ قانون آیین دادرسی

کیفری مورد تأکید قانون‌گذار است. این موضوع به‌ناچار می‌تواند روند دادرسی را کند نماید ولی تأخیر در این گونه موارد موجه بوده و مورد سرزنش قانون‌گذار نیست. در حقیقت آنچه مورد نکوهش قانون‌گذار است، موضوع تأخیر ناموجه در فرایند دادرسی است. قانون‌گذار حق آگاهی افراد از حقوق خود را مورد توجه قرار داده و مهم‌تر از آن تأکید قانون به فراهم آوردن و تهیه مقدمات رعایت و تضمین این حقوق از سوی مراجع انتظامی و قضایی است (ق.آ.د.ک، ماده ۶). همچنین، بر اساس ماده ۵۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ شاکی باید هزینه شکایت کیفری را پرداخت کند، لیکن قانون‌گذار به‌صراحت اعلام می‌نماید که رسیدگی به امر کیفری را نمی‌توان به علت عدم پرداخت و تأدیه هزینه دادرسی از سوی مدعی خصوصی به تأخیر انداخت. این موضوع از جمله مقررات آمره و مطابق با اصل سرعت در دادرسی می‌باشد (ق.آ.د.ک، ماده ۵۵۹). سرانجام این که، قانون‌گذار در تبصره ۲ ماده ۵۶۰ قانون مذکور اعلام نموده در موارد فوری به دستور مقام قضایی اقدامات در خصوص کارشناسی یا احضار گواه پیش از پرداخت هزینه مربوط انجام می‌شود. مفاد ماده و تبصره‌های آن بیانگر این است که نباید پرونده را معطل پرداخت هزینه از سوی افراد نمود و در موارد فوری ابتدا اقدامات انجام می‌شود و در ادامه اقدام به پرداخت هزینه‌ها خواهد شد. این موضوع مطابق با قاعده و اصل تسریع در دادرسی است (ق.آ.د.ک، ماده ۵۶۰).

بدین ترتیب، از حیث مفهومی عصاره فوریت و ضرورت را نیز جلوگیری از ضررهای احتمالی در آینده تشکیل می‌دهد. این ضرر برخلاف آنچه در دعاوی مدنی مدنظر است یک ضرر فردی نیست بلکه یک ضرر اجتماعی و عمومی است. عمومی و اجتماعی بودن ضرر هم به ماهیت دعوای عمومی برمی‌گردد که گفته می‌شود جرم عملی خلاف نظم عمومی است و به اعتبار آمره بودن قوانین کیفری و در راستای الزام مقام تعقیب به تعقیب ناقضان قانون جزایی، لازم است متهم تحت تعقیب قرار گیرد؛ لذا عدم تعقیب وی یا عدم انجام اقداماتی که ممکن است زمینه‌رهایی وی از تعقیب را فراهم نماید می‌تواند موجب یک ضرر عمومی و اجتماعی شود که این ضرر در قالب جری‌تر شدن

وی یا سایرین یا از دست رفتن قاطعیت قوانین جزایی و ضابطان دادگستری متجلی خواهد شد.

ب: فوریت در رسیدگی کیفری در اسناد و رویه‌های بین‌المللی

موضوع زمان دادرسی در اسناد و رویه‌های الزام‌آور یا ارشادی بین‌المللی مورد تأکید و تصریح قرار گرفت و این موضوع از زمان تحت تعقیب و در معرض اتهام قرار گرفتن فرد مورد توجه قرار گرفته است که به بیان آن می‌پردازیم.

۱- زمان عملکرد ضابطان دادگستری اعلامیه جهانی حقوق بشر

در اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸ مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت و شامل اصولی جهانی است که عملکرد کشورها را در رابطه با حقوق بشر تعیین می‌کند؛ به صراحت موضوع زمان مورداشاره قرار نگرفت اما موضوع دادرسی منصفانه مورد تأکید قرار گرفت. اعلامیه حقوق بشر به لزوم معقول و متعارف بودن فرایند دادرسی تأکید دارد. (الماسی و حییبی در گاه، ۱۳۹۱، ۵۳) به موجب ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر هر کس حق دارد که دعوایش به وسیله دادگاهی مستقل و بی طرف و منصفانه و علنی رسیدگی گردد (امیر ارجمند، ۱۳۸۶، ۷۳). از مفاد ماده تأکید بر زمان دادرسی به صورت ضمنی مورد تأکید قرار گرفت. یکی از عناصر و تضمینات دادرسی عادلانه و منصفانه حق تفهیم اتهام می‌باشد. از دیدگاه کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد اولین مشخصه حق بر تفهیم اتهام این است که متهم باید به سرعت از دلایل بازداشت خود مطلع شود (آقایی جنت‌مکان، ۱۳۹۶، ۱۹۷). در حقیقت حق تفهیم فوری اتهام و اطلاع از دلایل ارائه شده یکی از اساسی‌ترین عناصر و تضمینات دادرسی عادلانه می‌باشد که مورد تأکید اسناد بین‌المللی از جمله اعلامیه حقوق بشر است که عدم رعایت آن موجب عدم تأمین و عدم رعایت حقوق دفاعی متهم و در نتیجه نقض دادرسی عادلانه خواهد بود (محمدی کنگ سفلی، ۱۳۹۴، ۱۷۲)؛ بنابراین از مفاد اعلامیه، حق آگاهی سریع از اتهام و در نتیجه سرعت در دادرسی از ابتدای تحت تعقیب گرفتن تا انتهای دادرسی استنباط می‌گردد. اطلاع فوری از اتهام باید به محض ایراد اتهام

یا بلافاصله پس از آن و با شروع بازجویی اولیه قضایی صورت پذیرد (فضائی، ۱۳۸۷، ۴۲).

۲- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و زمان عملکرد ضابطان دادگستری

حق آگاهی از علت دستگیری و اتهام در زمان دستگیری و در سریع‌ترین زمان ممکن یکی از موضوعاتی است که مورد تأکید و تصریح میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است. به موجب بند ۲ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی هر کس دستگیر می‌شود باید در زمان دستگیری از جهات (علل) آن مطلع شود و در اسرع وقت اختاریه‌ای دایر بر هرگونه اتهامی که به او نسبت داده می‌شود، دریافت دارد (امیر ارجمند، ۱۳۸۶، ۹۷). تأکید میثاق بر ضرورت اطلاع و آگاهی متهم از اتهام و علت آن در حقیقت تأکید بر تضمین و رعایت حقوق دفاعی متهم است تا بتواند در دفاع از اتهام انتسابی خود را آماده پاسخ‌گویی و ارائه دلیل در راستای رفع اتهام از خود بنماید. حق حضور در مرجع قضایی صالح و رسیدگی به اعتراض نسبت به بازداشت خود در اسرع وقت نیز یکی دیگر از حقوق متهم است که موضوع زمان دادرسی در آن مورد تأکید و تصریح قرار گرفت. به موجب بند ۳ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی هر کس به اتهام جرمی دستگیر یا بازداشت می‌شود باید او را در اسرع وقت در محضر دادرس یا هر مقام دیگری که اعمال اختیار قضایی را دارد حاضر نمود و مقام قضایی مربوط موظف است که در مدتی معقول در خصوص ادامه بازداشت یا آزادی وی اظهار نظر نماید (امیر ارجمند، ۱۳۸۶، ۹۹). مبنای حق اطلاع سریع از اتهام و همچنین مدارک و مستندات این است که متهم بتواند خود را برای دفاع مناسب آماده سازد و میان او و دادستان موازنه قدرت صورت گیرد (امیدی، ۱۳۷۹، ۱۸). کمیته حقوق بشر ضمن مشخص نمودن ویژگی‌های حق آگاهی از دلایل اتهام و نوع آن متهمی که به مدت ۲۱ روز بازداشت بوده و به وی تفهیم اتهام نشده بود را تخلف از بند ۲ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی قلمداد کرده است. اسرع وقت در قانون مشخص نشده است اما معنای فوریت و بی‌درنگ بودن از آن استنباط می‌شود. در بند ۲ ماده ۹ میثاق به رعایت سرعت در تفهیم اتهام اشاره کرده است (آقایی جنت‌مکان، ۱۳۹۶،

۱۹۸). اصول ۱۰ و ۱۱ از مجموعه اصول حمایت از اشخاص تحت بازداشت یا حبس که در سال ۱۹۹۸ مورد پذیرش مجمع سازمان ملل قرار گرفته به ضرورت مطلع کردن متهم از علت بازداشت و بلافاصله در هنگام بازداشت اشاره می کند و در بند یک اصل ۱۱ اعلام شده که هیچ شخصی را بدون این که به او فرصت حضور فوری پیش یک مقام قضایی داده شود، نمی توان در بازداشت نگه داشت. حاضر کردن متهم پیش مقام قضایی که به نظر می رسد وضعیت هر موضوع در این مدت تأثیرگذار است و مهلت آن در اسناد بین المللی از جمله میثاق در نظر گرفته نشد. کمیته حقوق بشر در یک مورد که مجازات آن مرگ بود یک هفته تأخیر از زمان دستگیری متهم تا حاضر کردن وی پیش مقام قضایی را مدتی معقول ندانست و آن را ناقض بند ۳ ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی اعلام کرد.

۳- کنوانسیون حقوق کودک و رویکرد زمان عملکرد ضابطان دادگستری

کنوانسیون حقوق کودک یکی از اسناد بین المللی است که موضوع زمان دادرسی را مورد توجه و تأکید قرار داده است. این معاهده در سال ۱۹۸۹ مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل قرار گرفت و در سال ۱۹۹۰ به اجرا درآمد. دولت ایران در سال ۱۳۷۲ به صورت مشروط به این کنوانسیون ملحق گردید. به موجب بند ب ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک بازداشت غیرقانونی کودک ممنوع است و بازداشت کودک باید مطابق با قانون بوده و به عنوان آخرین راه حل و چاره و برای کوتاه ترین مدت ممکن باید به آن متوسل شد (امیر ارجمند، ۱۳۸۶، ۲۱۲). در بخش دیگری از ماده ۳۷ کنوانسیون سایر حقوق کودک مورد تأکید و تصریح قرار گرفت. حق دسترسی کودک به مساعدت های ضروری و حق تصمیم گیری سریع از سوی مرجع ذی صلاح در خصوص اعتراض به بازداشت و زندانی کودک نیز مورد تأکید کنوانسیون قرار گرفت. به موجب بند د ماده ۳۷ کنوانسیون هر کودک زندانی باید از حق دسترسی سریع به مشاوره حقوقی و یا سایر مساعدت های ضروری و حق اعتراض نسبت به مشروعیت و قانونی بودن زندانی شدن خود در برابر دادگاه یا سایر مقامات قضایی ذی صلاح مستقل و بی طرف و تصمیم گیری سریع در این گونه موارد برخوردار باشد (جعفری و همکاران،

۱۳۹۷، ۴۲). حق آگاهی سریع از اتهام و دادرسی سریع و عادلانه ازجمله دیگر حقوق کودک موضوع تأکید کنوانسیون می‌باشد. در خصوص کودکان و نوجوانان باید دو موضوع در دادرسی آن‌ها مورد توجه قرار بگیرد یکی دادرسی افتراقی (دادرسی کودک و نوجوان با دادرسی افراد بزرگسال فرق داشته و تفاوت داشته باشد) و دیگری برخورداری از نظام دادرسی عادلانه و منصفانه که این دو موضوع در ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک مورد اشاره قرار گرفت (آقای جنت‌مکان، ۱۳۹۶، ۳۵۰). به موجب ماده ۴۰ کنوانسیون کشورهای عضو مکلف گردیدند که حداقل تأمین‌های حقوق کودک را تضمین نموده و موظف به رعایت حقوق کودک شدند. به موجب قسمت ب بند ۲ ماده ۴۰ کنوانسیون هر کودکی که متهم یا محکوم به نقض قانون کیفری شود حداقل دارای تأمین‌های زیر خواهد بود. حق آگاهی سریع از اتهام انتسابی و روشن شدن موضوع در اسرع وقت موضوع بندهای ۲ و ۳ بخش ب بند ۲ ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک بیانگر حداقل حقوق کودک می‌باشد که کشورهای عضو ملزم هستند این موارد را در قوانین داخلی خود پیش‌بینی و رعایت کنند و به جرائم انتسابی به کودک در سریع‌ترین زمان ممکن و با ارائه خدمات و معاضدت‌های حقوقی رسیدگی نمایند. نویسندگان پیمان حقوق کودک به موجب ماده ۴۰ و بر اساس ماده ۲۰ قواعد حداقل سازمان ملل متحد برای عدالت کیفری نوجوانان مصوب ۱۹۸۵ فرایند کیفری سریع را محترم شمرده‌اند تا از این رهگذر سیاست‌گذاران جنایی ملی به پیش‌بینی سازوکارهای مناسب برای رسیدگی کیفری همراه با سرعت متناسب به‌ویژه در خصوص فرایند کیفری ناظر به کودکان و نوجوانان بزهکار مبادرت ورزند (نیازپور، ۱۳۸۹، ۳۶۶). با مقایسه کنوانسیون حقوق کودک و میثاق حقوق مدنی و سیاسی محرز می‌شود که در مورد کودکان به دلیل اهمیت و حساسیت بالاتر موضوع از واژه رسیدگی بدون تأخیر و در میثاق از رسیدگی بدون تأخیر موجه استفاده شده است. بدین ترتیب در خصوص بزرگسالان تأخیر موجه قابل‌پذیرش است اما درباره کودکان هیچ تأخیری نباید ایجاد شود. البته کمیته حقوق بشر به حق رسیدگی بدون تأخیر درباره اطفال استثنایی را وارد می‌کند. این کمیته معتقد است اگر محاکمه فوری مطابق با منافع

عالیه کودک نباشد، امر محاکمه و رسیدگی با ملاحظه سن یا موقعیت کودک قابل تأخیر است (جانی پور، ۱۳۹۳، ۱۲۶). به موجب بند ۲ ماده ۱۰ قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای مدیریت دادرسی نوجوانان قاضی یا نهاد ذیصلاح دیگر باید بدون تأخیر موضوع آزادی نوجوان را مورد بررسی قرار دهد (جعفری و همکاران، ۱۳۹۷، ۲۳۸). بازداشت قبل از محاکمه نوجوان به موجب سند مزبور باید در کوتاه ترین زمان ممکن باشد. به موجب بند یک ماده ۱۳ بازداشت تا زمان محاکمه (موقت) تنها به عنوان آخرین راه چاره و برای کوتاه ترین مدت زمان ممکن به کار گرفته خواهد شد (امیر ارجمند، ۱۳۸۶، ۲۹۳).

۴- زمان عملکرد ضابطان دادگستری و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی های اساسی

حق آگاهی فوری از ماهیت و علت اتهام انتسابی به زبان قابل درک و تفهیم دلایل اتهام به صورت فوری به زبان قابل درک از جمله حقوق دفاعی متهم می باشد که در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مورد تأکید و تصریح قرار گرفته است. به موجب قسمت الف بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی اطلاع یافتن فوری و مفصل از ماهیت و علت اتهام علیه خود به زبانی که درک می کند از حداقل حقوق متهم می باشد؛ بنابراین به محض این که فرد در معرض اتهام قرار می گیرد حق دارد که به صورت فوری ماهیت اتهام خود و دلایل آن را به صورت دقیق و مفصل و به زبانی که درک می کند آگاهی یابد. به موجب قسمت ب بند ۳ همین ماده داشتن زمان و تسهیلات کافی برای تدارک دفاع نیز از حداقل حقوق فرد متهم عنوان شده و مورد تأکید قرار گرفته است. به موجب بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر هر کس که دستگیر می شود باید فوراً دلایل دستگیری و اتهام علیه وی به زبانی که درک می کند به وی تفهیم شود (امیر ارجمند، ۱۳۸۶، ۹۶). دادگاه اروپا در توضیح بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون اعلام کرده که باید جزئیات اتهامات و بازداشت نیز در فاصله زمانی کوتاه و مناسبی به متهم تفهیم شود. نکته قابل توجه این است که مقصود از فوری در این بند فوری عرفی است. دادگاه اروپا وقفه چند ساعته میان زمان بازداشت و دادن اطلاعات را خارج از

مفهوم واژه فوری ندانسته است و اعلام کرده که این فاصله زمانی را باید معقول و عرفی دانست؛ لذا حق حضوری فرد بازداشت‌شده پیش مقام قضایی از جمله حقوق مورد تأکید کنوانسیون می‌باشد بدین شرح که متهم حق دارد در مراجع انتظامی و امنیتی به مدت زیاد نگهداری و توقیف نشود و باید سریع و فوری نامبرده پیش مقام قضایی مربوط حاضر شود. به موجب بند ۳ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر هر کس که طبق مقررات بند ج این ماده دستگیر یا بازداشت می‌شود باید فوراً پیش قاضی یا مقامی برده شود که به موجب قانون مجاز به اعمال قدرت قضایی است و حق دارد که تا زمان محاکمه آزاد شود. البته آزادی ممکن است به دادن تضمین‌هایی برای حضور جهت محاکمه مشروط شود. دادگاه اروپا بازداشت شخصی به مدت ۴ روز و ۶ ساعت قبل از حاضر کردن وی در دادگاه را دسترسی فوری محسوب نکرد. همچنین دیوان اروپایی حقوق بشر که به عنوان یک مرجع عالی می‌تواند آرایشی را که مخالف کنوانسیون اروپایی حقوق بشر باشد را نقض کند در خصوص پرونده ابراهیم گولر علیه کشور ترکیه که مدعی شده بود مدت بازداشت قبل از محاکمه بسیار طولانی بوده است اظهار داشت که بازداشت قبل از محاکمه متقاضی از پنجم نوامبر ۱۹۹۶ با دستگیری وی شروع و در نهم نوامبر ۲۰۰۷ با محکومیت وی پایان یافت که این اقدام را ناقض حقوق متهم دانست و دولت ترکیه را به نقض بند ۳ ماده ۵ و ماده ۶ کنوانسیون محکوم کرد (صابر و ناظریان، ۱۳۹۳، ۶۶).

حق رسیدگی سریع به اعتراض متهم نسبت به بازداشت خود یکی دیگر از حقوق متهم می‌باشد بدین شرح که یکی از حقوق متهم در فرایند قضایی حق اعتراض نسبت به محرومیت از آزادی است که در ابتدا توسط مرجع انتظامی یا امنیتی یا مقام تعقیب اعمال و اجرا می‌شود. به موجب بند ۴ ماده ۵ کنوانسیون هر کس که با دستگیری یا بازداشت از آزادی خویش محروم شود حق خواهد داشت دعوایی اقامه کند تا دادگاهی سریعاً راجع به قانونی بودن بازداشت وی تصمیم بگیرد؛ بنابراین، کنوانسیون رسیدگی دادگاه به این اعتراض را به صورت سریع مقرر داشته است (امیر ارجمند، ۱۳۸۶، ۹۳).

۵- اعلامیه اسلامی حقوق بشر و عملکرد زمان محور ضابطان دادگستری

هرچند در اعلامیه اسلامی حقوق بشر موضوع زمان دادرسی به صراحت مورد اشاره قرار نگرفت اما در این اعلامیه یکی از حقوق متهم انجام محاکمه عادلانه اعلام شد. به موجب بند ه ماده ۱۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر «متهم بی گناه است تا این که محکومیتش از راه محاکمه عادلانه ای که همه تضمین ها برای دفاع از او فراهم باشد ثابت گردد.» این سند بیانگر این است که تمامی حقوق دفاعی متهم از جمله اطلاع فوری از اتهام و اعطای فرصت کافی جهت تدارک دفاع و انجام دادرسی بدون تأخیر غیرموجه را مورد توجه قرار داد که باید توسط دادگاه در یک محاکمه عادلانه رعایت و تضمین شود. بی طرفی و استقلال و رسیدگی در کوتاه ترین مهلت ممکن از شاخص ها یا مؤلفه های دادرسی منصفانه (عادلانه) به شمار می رود (خالقی، ۱۴۰۰، ۲۵). حق متهم بر تفهیم فوری نوع اتهام و اطلاع از دلایل ارائه شده علیه او یکی از اساسی ترین عناصر و تضمینات حق برخورداری از دادرسی عادلانه و مهم ترین حقوق دفاعی متهمان به شمار می آید. رعایت عدالت و انصاف در دادرسی ایجاب می کند که متهم در طول فرایند دادرسی از زمان و تسهیلات کافی برخوردار باشد تا بتواند دفاع مناسب را تدارک ببیند (محمدي کنگ سفلی، ۱۳۹۴، ۱۷۳). رسیدگی در مهلت معقول یکی از مهم ترین اصول شرایط دادرسی منصفانه در محاکم کیفری اختصاصی است و سرعت در رسیدگی و جلوگیری از اطاله دادرسی از معیارهای یک دادرسی منصفانه و از جمله حقوق متهم می باشد (جانی پور، ۱۳۹۳، ۱۶۰).

۶- ضابطان دادگستری و زمان های حاکم بر اقدامات آنان در اساس نامه دیوان دائمی

کیفری بین المللی

در اساس نامه دیوان موضوع زمان دادرسی در مرحله تحقیقات مقدماتی که شامل مراجع انتظامی و امنیتی و دادسرا می باشد و هم در مرحله رسیدگی مورد توجه و تأکید قرار گرفت. به موجب بند ۲ ماده ۵۹ اساس نامه دیوان شخص بازداشت شده را باید به صورت فوری در محضر یک مرجع صالح قضایی در کشور بازداشت کننده حاضر نمود. مرجع قضایی صالح باید بررسی کند که بازداشت شخص بر اساس مقررات بوده و حقوق وی

رعایت گردید (شریعت باقری، ۱۳۹۲، ۹۵). همچنین یکی دیگر از حقوق متهم در مرحله تحقیقات به موجب بند ۴ ماده ۶۰ اساس نامه عدم جواز بازداشت متهم به مدت غیرمعقول و غیرمتعارف می‌باشد. در این ماده تأکید شده که دادستان باید اقدامات لازم و تحقیقات مقدماتی را به صورت سریع انجام دهد و مدت زمانی که جهت تکمیل پرونده و صدور کیفرخواست صرف می‌کند باید معقول و متعارف باشد. اجتناب از بازداشت غیرموجه و پرهیز از استمرار آن در مهلتی نامعقول یکی از حقوق متهم است (صابر و ناظریان، ۱۳۹۳، ۶۹).

روش

پژوهش پیش‌رو از نظر هدف، کاربردی با رویکرد کیفی و از نوع اکتشافی است. جمع‌آوری داده‌ها در ارتباط با اسناد و مقررات قانونی در دو سطح ملی و بین‌المللی از طریق فیش‌برداری انجام شد. موضوع و جامعه مورد پژوهش، کلیه اسناد ملی و بین‌المللی مرتبط با فوریت در رسیدگی ضابطان دادگستری است که به صورت تمام‌شمار کلیه اسناد قانونی موجود مورد بررسی قرار گرفت. همچنین بعد از استخراج مؤلفه‌ها مرتبط، تحلیل داده‌ها به شیوه تحلیل محتوا، بدون استفاده از نرم‌افزار، انجام شد. برای اعتبارسنجی داده‌ها از راهبرد کنترل و بازبینی بیرونی استادان متخصص استفاده شده است.

یافته‌ها

یکی از مهم‌ترین مراحل پرونده کیفری که در واقع اولین برخورد مجریان و کنشگران دستگاه عدالت کیفری با مراجعین است، مراجع انتظامی و مراجعه به آن‌ها می‌باشد. در راستای کشف جرم و حفظ آثار و ادله جرم و جمع‌آوری ادله و شناسایی متهم و انجام تحقیقات مقدماتی و ابلاغ اوراق و تصمیمات قضایی توسط مراجع قضایی قانون‌گذار افرادی را به عنوان ضابط دادگستری در نظر گرفته است که تحت نظارت و تعلیمات دادستان اقدامات مورد اشاره را انجام می‌دهند. به جهت این که اولین برخورد مراجعه‌کنندگان در پرونده کیفری با مراجع انتظامی است در راستای تعیین و رعایت حقوق آن‌ها قانون‌گذار مقرراتی را وضع کرده است. یکی از این موارد، موضوع زمان و

تسریع در اقدامات در راستای حفظ و رعایت حقوق مراجعین می‌باشد. در این بخش، مواردی که مؤثر در تسریع دادرسی و سرعت در انجام اقدامات است مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- انجام دستور و تکمیل اقدامات در اسرع وقت

قانون‌گذار در مواد متعددی از قانون آیین دادرسی کیفری در راستای حقوق افراد و تسریع در دادرسی از الفاظ و عبارت‌های متنوع و گوناگونی استفاده کرده است. یکی از این الفاظ «اقدام در اسرع وقت» می‌باشد. به موجب ماده ۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری ضابط دادگستری مکلف است در اسرع وقت دستور مقام قضایی را انجام دهد و اقدام به تکمیل پرونده نماید. در این ماده به دو موضوع اشاره شده است. اول این که اقدام باید در اسرع وقت باشد و دوم این که انجام اقدام از سوی ضابط در مدتی است که مقام قضایی تعیین می‌کند. دستور مقام قضایی خطاب به ضابط دادگستری به موجب ماده ۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری باید به صورت کتبی و با قید مهلت باشد و ضابط دادگستری به صورت سریع و حداکثر تا مدت تعیین شده باید نسبت به انجام مفاد دستور اقدام و پرونده را ارسال نماید. در صورتی که امکان انجام دستور یا تکمیل پرونده در مهلت اعلامی وجود نداشته باشد ضابط دادگستری موظف است که در پایان مهلت اعلام شده گزارشی که حاوی دلیل و جهت عدم اقدام است را برای مقام قضایی ارسال نماید. دستور شفاهی مقام قضایی نیز باید توسط ضابط دادگستری پس از انجام اقدامات مورد نظر صورت جلسه شود و در اسرع وقت و حداکثر ظرف مهلت ۲۴ ساعت به امضای مقام قضایی برسد.

۲- ارسال فوری پرونده برای دادسرا

به موجب ماده ۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ضابط دادگستری موظف است که همه وقت (هرزمانی از شبانه‌روز) شکایت کتبی یا شفاهی را قبول کند و به صورت فوری در اختیار دادستان قرار دهد؛ بنابراین، این اقدام باید به فوریت انجام شود. همچنین، این اصل در حقوق بین‌الملل نیز شناخته شده است؛ به طوری که کمیته حقوق بشر در یک مورد که مجازات آن مرگ بود یک هفته تأخیر از زمان دستگیری متهم تا حاضر کردن

وی پیش مقام قضایی را مدتی معقول ندانست و آن را ناقض بند ۳ ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی اعلام کرد.

۳-۱ اعلام وقوع جرم غیرمشهود به محض اطلاع و ارسال بلافاصله نتایج در جرم غیرمشهود به دادستان

ضابط دادگستری به موجب ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری در جرم غیرمشهود به محض اطلاع از وقوع جرم باید موضوع را به دادستان جهت کسب تکلیف اعلام نماید. در خصوص جرائم مشهود نیز باید کلیه اقدامات در راستای حفظ آثار و علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و تحقیقات لازم را انجام داده و مراتب را بلافاصله به دادستان اعلام و مدارک را ارسال نماید. مفاد ماده مزبور در راستای تسریع در دادرسی است. قانون‌گذار در ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصادیق جرم مشهود را بیان کرده است. یکی از نوآوری‌های قانون در سال ۱۳۹۲ تسری حکم ضابط بودن به افراد عادی در برخی از جرائم مهم می‌باشد. به موجب تبصره یک ماده ۴۵ قانون مورد اشاره در صورتی که جرائم موضوع ماده ۳۰۲ (بندهای الف تا ت) قانون به صورت مشهود واقع شوند و ضابط دادگستری حضور نداشته باشد تمامی شهروندان عادی می‌توانند اقدام لازم را جهت جلوگیری از فرار مرتکب جرم و حفظ صحنه جرم به عمل آورند. هرچند که این اقدام دارای مفسده است به نحوی که امکان سوءاستفاده وجود داشته و تفویض اختیار و ارجاع امر تخصصی به فردی که فاقد مهارت و آگاهی و تخصص در این زمینه است؛ اما به نوبه خود می‌تواند موجب شود که این اقدام شهروند عادی در ادامه روند رسیدگی تأثیر خوبی در راستای تسریع اقدامات در راستای کشف واقع و روند دادرسی باشد.

۴-۱ اعلام فوری نتیجه اقدامات به دادستان و نگهداری کوتاه‌مدت متهم در صورت ضرورت

به موجب ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری ضابط دادگستری حق نگهداری متهم را جهت کشف جرم یا تکمیل تحقیقات ندارد. در جرائم مشهود اگر نگهداری متهم جهت تکمیل تحقیقات ضرورت داشته باشد ضابط دادگستری یک سری الزامات

قانونی دارد. اول این که باید بلافاصله موضوع اتهام و ادله آن را به صورت کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم نماید. دوم این که مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برساند. سوم این که حداکثر زمان نگهداری متهم ۲۴ ساعت می باشد. به موجب نظریه مشورتی -۷/۹۴/۹۹۵- ۱۳۹۴/۴/۲۱ اداره حقوقی قوه قضائیه صرف وقوع جرم مشهود مجوز بازداشت فرد توسط ضابط دادگستری نیست و نگهداری متهم در این گونه جرائم در صورتی موجه است که برای تکمیل تحقیقات ضرورت داشته باشد و اصل بر این است که متهم بلافاصله نزد مرجع قضایی اعزام و معرفی شود. همچنین به موجب ماده ۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری در صورتی که ضابط دادگستری در هنگام بازرسی محلی که بنابر دستور مقام قضایی انجام می شود جرم دیگری را که تهدید کننده امنیت و آسایش عمومی جامعه است را مشاهده نماید ضمن حفظ ادله و تنظیم صورت مجلس بلافاصله مراتب را به مرجع قضایی صالح گزارش و وفق دستور وی عمل می کند.

در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز بر حق بر تفهیم اتهام که «متهم باید به سرعت از دلایل بازداشت خود مطلع شود» به عنوان یکی از حقوق متهمان شناسایی شده است. به موجب بند ۳ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر هر کس که طبق مقررات بند ج این ماده دستگیر یا بازداشت می شود باید فوراً پیش قاضی یا مقامی برده شود که به موجب قانون مجاز به اعمال قدرت قضایی است و حق دارد که تا زمان محاکمه آزاد شود. همچنین، به موجب بند ۲ ماده ۵۹ اساس نامه دیوان کیفری بین المللی شخص بازداشت شده را باید به صورت فوری در محضر یک مرجع صالح قضایی در کشور بازداشت کننده حاضر نمود.

۵- اعلام سریع و فوری تحت نظر قرار گرفتن افراد در خارج از وقت اداری

بر اساس ماده ۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری در صورتی که فردی خارج از وقت اداری تحت نظر قرار بگیرد ضابط دادگستری باید حداکثر ظرف یک ساعت مراتب را به دادستان یا قاضی کشیک اعلام کند. به موجب ماده ۱۸۵ قانون مورداشاره ضابط مکلف است متهم جلب شده را بلافاصله نزد بازپرس بیاورد. در صورت عدم دسترسی به بازپرس یا جانشین وی در اولین وقت اداری متهم را نزد وی حاضر کند. در صورت

تأخیر از تحویل فوری باید علت و مدت نگهداری در پرونده درج شود. به هر حال مدت نگهداری تا زمان تحویل به بازپرس یا قاضی کشیک نباید بیش‌تر از ۲۴ ساعت باشد. به موجب ماده ۴۸ قانون مورداشاره با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل وی می‌تواند با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات، حداکثر یک ساعت با متهم ملاقات داشته باشد. قانون‌گذار جهت رعایت حقوق دفاعی متهم حق ملاقات با وکیل را به محض تحت نظر قرار گرفتن که حتی ممکن است خارج از مرجع انتظامی این اتفاق بیفتد را لازم و ضروری دانسته که مرجع انتظامی بر اساس اصول کلی موظف است سازوکار رعایت و تضمین حقوق متهم را فراهم نماید. همچنین به موجب ماده ۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری به محض این‌که متهم تحت نظر قرار گرفت یا ظرف یک ساعت مشخصات سجلی و محل اقامت و شغل و علت تحت نظر قرار گرفتن وی به هر طریق ممکن باید به دادسرای محل وقوع بزه اعلام شود. به موجب قسمت الف بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی اطلاع یافتن فوری و مفصل از ماهیت و علت اتهام علیه خود به زبانی که درک می‌کند از حداقل حقوق متهم است.

۶- تحویل فوری متهم طفل یا نوجوان به مقام قضایی صالح

از جمله اختیارات ضابط دادگستری در جرائم مشهود نگهداری متهم در صورتی‌که ضرورت به مدت ۲۴ ساعت است. قانون‌گذار به موجب تبصره دو ماده ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری اعلام داشته اگر متهم طفل یا نوجوان باشد ضابطان باید متهم را فوری به دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان تحویل دهند. انقضای وقت اداری و ایام تعطیل مانع از رجوع به دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان نیست. قانون‌گذار در خصوص متهمین طفل و نوجوان مانند دادسرا اعلام نموده که رسیدگی و انجام تحقیق در چنین پرونده‌هایی مقید به وقت اداری نبوده و تعطیل ناپذیر است. (ماده ۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری) که این موضوع الهام گرفته از اصل سرعت در دادرسی است. یکی از مواردی که قانون نسبت به جرائم اطفال و نوجوانان در بیشتر موارد رعایت آن را الزامی دانسته موضوع تشکیل پرونده شخصیت می‌باشد که به موجب ماده ۲۸۶ قانون آیین دادرسی

کیفری تشکیل پرونده شخصیت برای متهمین به ارتکاب جرائم تعزیری درجه ۵ و ۶ در خصوص اطفال و نوجوانان علاوه بر سایر جرائم تعزیری درجه ۱ تا ۴ الزامی دانسته است. این اقدام در راستای شناسایی شخصیت متهم و در نهایت اتخاذ تصمیم قضایی مناسب با روحیات و شخصیت طفل یا نوجوان بزهکار مفید و مطلوب است؛ اما یکی از آسیب‌های آن تأخیر در روند و زمان دادرسی است.

بنابراین قانون‌گذار در راستای اعلام اختیارات و تکالیف قانونی ضابطان دادگستری در مواد زیادی از قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ از عبارات و الفاظی از قبیل (اسرع وقت؛ به محض اطلاع؛ بلافاصله؛ به صورت فوری؛ به محض شروع تحت نظر قرار گرفتن؛ در همه وقت؛ حداکثر ظرف یک ساعت؛ حداکثر ظرف مهلت ۲۴ ساعت؛ پایان مهلت تعیین شده و ...) به موضوع زمان دادرسی و رسیدگی در کوتاه‌ترین زمان ممکن توجه خاص و ویژه داشته که در راستای عمل به اصل کلی و بنیادین سرعت در دادرسی و رسیدگی در کوتاه‌ترین زمان ممکن موضوع ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ می‌باشد. از سوی دیگر انجام اقدامات توسط ضابطان دادگستری موکول به زمان اداری و یا ساعت یا شیوه خاصی نیست و این موضوع با الهام از اصل متری و پیشرفته ۳۲ قانون اساسی می‌باشد. قانون‌گذار مراجع انتظامی را که بخشی از اقدامات و دستورات قضایی را در پرونده کیفری انجام می‌دهند موظف به رعایت این مقررات نموده و از هرگونه اقدامی که موجب تأخیر در روند تکمیل تحقیقات و فرایند دادرسی می‌شود منع کرده است و اهمیت این موضوع را با در نظر گرفتن ضمانت اجرایی اعمال مجازات انفصال از خدمات دولتی به مدت سه ماه تا یک سال موضوع ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری به‌خوبی نمایان ساخته است.

از منظر بین‌المللی و به موجب بند د ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک هر کودک زندانی باید از حق دسترسی سریع به مشاوره حقوقی و یا سایر مساعدت‌های ضروری و حق اعتراض نسبت به مشروعیت و قانونی بودن زندانی شدن خود در برابر دادگاه یا سایر مقامات قضایی ذی صلاح مستقل و بی‌طرف و تصمیم‌گیری سریع در این گونه موارد برخوردار باشد. همچنین، با مقایسه کنوانسیون حقوق کودک و میثاق حقوق مدنی و

سیاسی محرز می‌شود که در مورد کودکان به دلیل اهمیت و حساسیت بالاتر موضوع از واژه رسیدگی بدون تأخیر و در میثاق از رسیدگی بدون تأخیر موجه استفاده شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که بحث شد، هدف این پژوهش، بررسی نقش عملکرد فوری ضابطان دادگستری در رسیدگی امور کیفری و مدیریت انتظامی بود؛ لذا به موجب نتایج حاصل از این پژوهش، ضابطان دادگستری در جهت کشف جرم همواره ملزم به رعایت کامل حقوق افراد در مرحله تحقیقات مقدماتی هستند، از آنجا که هدف اصلی مرحله کشف جرم، کشف حقیقت است، روند مطلوب این مرحله باید به گونه‌ای باشد که علاوه بر تأمین منافع جامعه، شهروند بی‌گناه را در اثبات بی‌گناهی‌اش یاری کند. تکلیف ضابطان در برابر بزه‌دیده و بزه‌کار به نحو هوشمندانه‌ای در قانون جدید آیین دادرسی کیفری و اسناد بین‌المللی بیان شده است.

با توجه به یافته‌های پژوهش، شش مؤلفه برای عملکرد فوری ضابطان دادگستری به‌منظور رسیدگی امور کیفری و مدیریت انتظامی جرم استخراج و احصاء گردید که از آن جمله می‌توان به «انجام دستور و تکمیل اقدامات در اسرع وقت»؛ «ارسال فوری پرونده برای دادر»؛ «اعلام وقوع جرم غیرمشهود به محض اطلاع و ارسال بلافاصله نتایج در جرم غیرمشهود به دادستان»؛ «اعلام فوری نتیجه اقدامات به دادستان و نگهداری کوتاه‌مدت متهم در صورت ضرورت»؛ «اعلام سریع و فوری تحت نظر قرار گرفتن افراد در خارج از وقت اداری»؛ و «تحويل فوری متهم طفل یا نوجوان به مقام قضایی صالح» اشاره نمود که موارد مذکور علاوه بر قانون آیین دادرسی کیفری در اسناد بین‌المللی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که یافته‌های مذکور مکمل نتایج پژوهش رحمدل (۱۳۹۷) با عنوان «امور فوری در دادرسی کیفری» بوده و با نتایج پژوهش زکوی و مصطفوی (۱۴۰۲) با عنوان «جایگاه اصل سرعت در سیاست جنایی ایران»؛ پژوهش صوفی زمرد (۱۴۰۱) با عنوان «ارزیابی اعتبار و مشروعیت تحصیل ادله کیفری در عملکرد ضابطان دادگستری»؛ پژوهش نیازپور (۱۴۰۱) با عنوان «آموزش ضابطان دادگستری در پرتو قانون آیین دادرسی کیفری

۱۳۹۲؛ پژوهش شیدائیان (۱۴۰۰) با عنوان «مؤلفه‌های مدل مطلوب روابط دادسرا و پلیس در نظام دادرسی کیفری جمهوری اسلامی ایران»؛ پژوهش رضوی و همکاران (۱۴۰۰) با عنوان «کارایی ضابطان عام دادگستری در کشف و تحقیق جرائم مشهود»؛ پژوهش وروایی و دارابی (۱۳۹۵) با عنوان «بررسی شیوه‌های مؤثر نظارت دادستان بر عملکرد پلیس در مقام ضابطان دادگستری» هم‌راستا می‌باشد. از بُعد پژوهش‌های خارجی از آنجاکه پژوهش مرتبطی با عنوان پژوهش حاضر انجام نشده است؛ لذا نتایج این پژوهش، می‌تواند مکمل نتیجه پژوهش بوندارنکو و همکاران (۲۰۲۰) با عنوان «مهارت‌ها و شایستگی‌های حرفه‌ای افسران پلیس آینده»، پژوهش وینو، کرامسکوی و آمِلچنکو (۲۰۲۰) با عنوان «بهبود آموزش افسران مجری قانون برای اقدام در شرایط اضطراری» و پژوهش کنت و چلست (۱۹۸۱) با عنوان «اعزام چند واحد در خدمات اضطراری: مدل‌هایی برای تخمین عملکرد سیستم» باشد.

به‌طور کلی، نتایج پژوهش حاضر مبین این امر است که ضابطان دادگستری در راستای انجام صحیح امور کیفری و نیز مدیریت انتظامی جرم، ناگزیر از توسل به اصل سرعت در رسیدگی هستند. همان‌گونه در فرماندهی کل انتظامی کشور فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ به‌منظور مدیریت صحیح و به‌موقع انتظامی راه‌اندازی شده است. رسیدگی فوری به برخی از امور کیفری و تسریع در فرایند رسیدگی از جمله تحقیقات مقدماتی، حضور در صحنه جرم، ارسال به‌موقع گزارش‌ها و اعزام به‌موقع متهمان و ... از سوی ضابطان دادگستری امری ضروری بوده و فرماندهی کل انتظامی کشور را بیش‌ازپیش به اهداف کنترل جرم نائل خواهد نمود.

پیشنهاده‌ها

با توجه به تغییرات گسترده در آیین دادرسی جدید و افزایش وظایف ضابطان دادگستری به‌ویژه تعیین زمان برای عملکرد ضابطان و فوریت در رسیدگی در امور کیفری، پیشنهاد می‌گردد:

با توجه به یافته‌های پژوهش و احصاء موارد فوری، معاونت حقوقی و امور مجلس فراجا با همکاری پلیس‌های تخصصی آیین‌نامه‌ای در خصوص فوریت‌های رسیدگی کیفری و مدیریت انتظامی تنظیم و به کلیه ضابطان دادگستری ابلاغ نماید.

با توجه به یافته‌های پژوهش و ضرورت رسیدگی فوری به برخی از امور کیفری توسط ضابطان دادگستری، معاونت طرح و برنامه و بودجه فراجا در خصوص تشکیل پلیس قضایی در ساختار فرماندهی کل انتظامی کشور اقدامات لازم را انجام دهد.

سپاسگزاری

در پایان، نویسندگان بر خود فرض می‌دانند که از راهنمایی و مساعدت استادان محترم و دست‌اندرکاران نشریه که در انجام و انتشار این پژوهش یاری نموده‌اند، مراتب تشکر و قدردانی خود را اعلام نمایند.

منابع

آقای جنت‌مکان، حسین. (۱۳۹۶). حقوق دادرسی عادلانه و منصفانه (دادگرانه). تهران: انتشارات جنگل (جاودانه).

الماسی، نجادعلی؛ و حبیبی درگاه، بهنام. (۱۳۹۱). درآمدی بر کیفیت دادرسی در فرایند دادرسی کارآمد. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی، ۱۷(۵۸)، ۴۷-۷۲.

jlvviews.ujas.ac.ir/article_703372.html

امیدی، جلیل. (۱۳۷۹). حقوق بشر در دعاوی کیفری بر اساس اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴۹(۰)، ۵-۳۲.

https://jflps.ut.ac.ir/article_12373.html

امیر ارجمند، اردشیر. (۱۳۸۶). مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر قسمت اول (اسناد جهانی). تهران: انتشارات شهید بهشتی، چاپ دوم.

جانی‌پور، علی. (۱۳۹۳). دادگاه‌های کیفری اختصاصی (تحلیلی در اسناد بین‌المللی و نظام حقوقی ایران). تهران: انتشارات شهر دانش.

جعفری، زهرا؛ هدایتی، وحید؛ و یآوری، فاطمه. (۱۳۹۷). مجموعه تنقیح‌شده اسناد بین‌المللی «حقوق اطفال و نوجوانان». تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.

خالقی، علی. (۱۴۰۰). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری. تهران: نشر شهر دانش، چاپ اول.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. جلد ۱۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.

رحمدل، منصور. (۱۳۹۷). امور فوری در دادرسی کیفری. پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۶(۱۱)، ۱۰۵-۱۳۰. jclc.sdil.ac.ir/article_66825.html

رضوی، محمد؛ غلامزاده، سجاد؛ و ابراهیمی، علی. (۱۴۰۰). کارایی ضابطان عام دادگستری در کشف و تحقیق جرائم مشهود. پژوهش‌های حقوقی - انتظامی، ۲(۶)، ۵۹-۸۴.

http://lqp.jrl.police.ir/article_102909.html

زکوی، مهدی؛ و مصطفوی، هادی. (۱۴۰۲). جایگاه اصل سرعت در سیاست جنایی ایران. تعالی حقوق، ۹(۲)، ۲۴۳-۲۷۸. doi: 10.22034/thdad.2023.540222.1977

شریعت باقری، محمدجواد. (۱۳۹۲). اسناد دیوان کیفری بین‌المللی. تهران: انتشارات جنگل (جاودانه)، چاپ سوم.

شمس، عبدالله. (۱۳۸۶). آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته. جلد سوم. تهران: انتشارات دراک، چاپ سوم.

شیدائیان، زینب. (۱۴۰۰). مؤلفه‌های مدل مطلوب روابط دادرسی و پلیس در نظام دادرسی کیفری جمهوری اسلامی ایران. مجله حقوقی دادگستری، ۸۵(۱۱۴)، ۲۴۵-۲۷۳.

doi: 10.22106/jlj.2021.122774.3250

صوفی زمر، محسن. (۱۴۰۱). ارزیابی اعتبار و مشروعیت تحصیل ادله کیفری در عملکرد ضابطان دادگستری. پژوهش‌های حقوقی - انتظامی، ۳(۱۱)، ۷-۴۰.

http://lqp.jrl.police.ir/article_102937.html

طهماسبی، جواد. (۱۳۹۸). آیین دادرسی کیفری. جلد یکم، تهران: نشر میزان. فضائلی، مصطفی. (۱۳۸۷). دادرسی عادلانه (محاكمات کیفری بین‌المللی). تهران: حقوقی شهر دانش.

فلاح، عبدالعظیم. (۱۳۹۱). میزان اعتبار گزارش ضابط دادگستری در تصمیمات قضایی. نشریه تعالی حقوق، ۴(۴)، ۱۳۱-۱۴۲. magiran.com/p1100501

محمدی کنگ سفلی، احسان. (۱۳۹۴). دادرسی عادلانه در قلمرو کیفری ایران. تهران: انتشارات مجد.

صابر، محمود؛ و ناظریان، حسین. (۱۳۹۳). مهلت معقول دادرسی در دیوان کیفری بین‌المللی و آراء دادگاه اروپایی حقوق بشر. پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۱۸(۴)، ۴۷-۷۲.

clr.modares.ac.ir/article-20-7265-fa.html

مردانی، نادر؛ و بهشتی، محمدجواد. (۱۳۹۳). آیین دادرسی مدنی. تهران: نشر میزان.
معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ معین. جلد دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم.
نهرینی، فریدون. (۱۳۹۰). دستور موقت در حقوق ایران و پژوهشی در حقوق تطبیقی. تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ دوم.
نیازپور، امیرحسن. (۱۳۸۹). سرعت بخشی به فرایند کیفری (سازوکاری برای پیش گیری از بزهکاری). مجله پژوهش حقوق و سیاست، ۱۲(۲۸)، ۳۶۳-۳۷۸.

magiran.com/p835179

نیازپور، امیرحسن. (۱۴۰۱). آموزش ضابطان دادگستری در پرتو قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲. فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، ۳(۲۴)، ۱۹۰-۱۶۵.

Doi: 10.22034/pok.2022.96894

وروایی، اکبر؛ و دارابی، یزدان. (۱۳۹۵). بررسی شیوه‌های مؤثر نظارت دادستان بر عملکرد پلیس در مقام ضابطان دادگستری. فصلنامه نظارت و بازرسی، ۱۰(۳۵)، ۱۰۳-۱۲۸.

si.jrl.police.ir/article_10153.html

ولایتی، علی؛ و ناجی زواره، مرتضی. (۱۳۹۲). ارزش قضایی گزارش ضابطان دادگستری بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲. فصلنامه علمی کارآگاه، ۱۲(۴۴)، ۱۰۱-۱۱۴.

det.jrl.police.ir/article_92015.html

Bondarenko, Valentin; Okhrimenko, Ivan; Yevdokimova, Olena; Sydorchuk, Ninel; Dzhezhyk, Olha; Boichuk, Iryna; Kalashnik, Nataliia; Kozlovets, Mykola; Slyusar, Vadym; Pavlenko, Vita; Biruk, N.; Verbovskiy, Igor & Bloshchynskiy, I. (2020). Professional skills and competencies of the future police officers. International Journal of Applied Exercise Physiology, 9 (5). 35-43. eprints.zu.edu.ua/id/eprint/32751

Kenneth R. Chelst, Ziv Barlach. (1981). Multiple Unit Dispatches in Emergency Services: Models to Estimate System Performance. Management Science, 27(12), 1390-1409. doi.org/10.1287/mnsc.27.12.1390

Voynov, P.N.; Kramskoy, S.I. & Amelchenko, I.A. (2020). Improvement of law enforcement officers training to act in emergency situations. International Scientific and Practical Conference "Teacher Professionalism: Psychological and

Pedagogical Support of a Successful Career”, Vol. 87, 1- 8.
doi.org/10.1051/shsconf/20208700040

